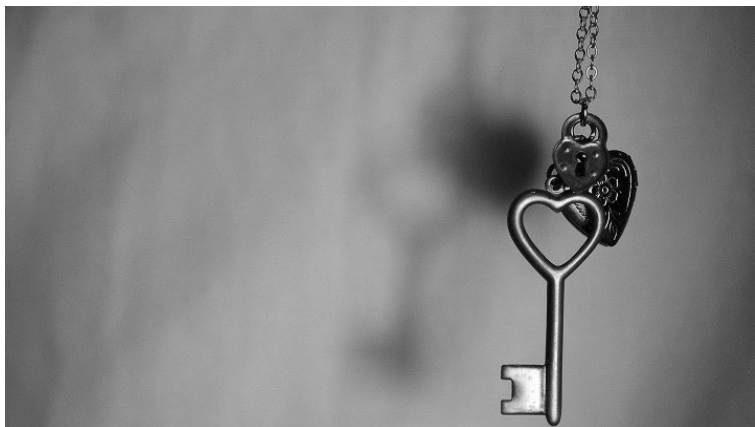


فصل ۱:

رابطه تمصیرات آکادمیک

و هو فقیة





خواستگرتان از زندگي چيست؟ زندگي دلخواهتان چيست؟ چه چيزي باعث خوشحالي و احساس پيشرفت شما مي‌شود؟ آيا صبور هستيد؟ منتظر يد تا ديگران براي‌تان تعريفی از موفقیت بگویند یا دیدگاه خودتان را دارید؟

موفقیت تعریف واحدی ندارد و همان‌طور که در مقدمه گفتیم دارای اصولی است که اگر رعایت شود، سیستم‌عاملی را برای شما به‌وجود می‌آورد که شما را به اهداف گوناگونی که در سر دارید می‌رساند و به شما در تعیین شیوه مورد دلخواه زندگي‌تان کمک می‌کند.

یکی از دوستان دوران مدرسه‌ام، چون دوست داشت درآمد داشته باشد، وارد کارگاه‌های مبل‌سازی و ساخت کمد و میزهای اداری شد و با وجود مشکلاتی که با صاحبکار خود داشت، تمام تابستان به این کار مشغول بود. من هم در مثبت‌کاری محل مشغول یاد گرفتن این هنر شدم.

از نظر دوستم، به دست آوردن آنچه در زندگي می‌خواست، فقط با موفقیت در همان حرفه حاصل می‌شد و من تمام آنچه را که می‌خواستم، در موفقیت تحصیلی خلاصه می‌کردم.



او بعد از طی مراحل تحصیل تا مقطع دیپلم، به ادامه تحصیل فکر نکرد و من با تمام تلاشم، با وجود آنکه علاقه زیادی به رشته مهندسی داشتم، در رشته دبیری زبان و ادبیات انگلیسی پذیرفته شدم. پس تصمیم گرفتم به سربازی بروم و خیلی ناراحت و سرخورده شده بودم. دوستم هم مغازه‌ای برای خودش دست‌وپا کرد و صاحب شغلی شد که سال‌ها در آن کارگری کرده بود.



من در سال آخر سربازی، در رشته مهندسی صنایع قبول شدم و وارد بازار کار این رشته شدم. همیشه به دنبال پیدا کردن شغل‌های بهتر در صنایع مختلف بودم و از این‌رو در صنایع خودروسازی، نفت و گاز و صنایع فولادی مشغول به فعالیت بودم. همیشه این سوال برایم مطرح بود که در مسیر موفقیت، تحصیلات آکادمیک چه نقشی دارد و چقدر از افراد کارآفرین و موفق در زمینه کاری، جزء قشر تحصیل کرده هستند و چه شکاف دانشی، مهارتی یا انگیزشی در این بین وجود دارد؟



همیشه مرور زندگی‌نامه افرادی مانند «بیل گیتس» یا «مارک زاکربرگ»، توجهم را به خودش جلب می‌کند. شخصیت‌های بزرگ دنیای کسب‌وکار امروز که هر دو در میانه راه دست از کلاس و دانشگاه برداشته و ترک تحصیل کرده‌اند؛ مثال‌هایی که نشان می‌دهند همه مسیرهای موفقیت از دانشگاه نمی‌گذرند؛ اما آیا وقتی در کل جامعه به تحقیق بپردازیم باز هم چنین خواهد بود؟ آیا باز هم نمی‌توانیم میان تحصیلات دانشگاهی و موفقیت ارتباط معناداری پیدا کنیم؟

حقیقت آن است که حداقل در کشور آمریکا نتایج تحقیق نشان می‌دهد که باید به وضعیت افرادی مانند بیل گیتس و مارک زاکربرگ که بدون تحصیلات دانشگاهی موفق بوده‌اند، به چشم استثنا نگاه کرد، نه قانون حاکم بر کل جامعه.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۸۰ درصد از «قدرتمندترین افراد لیست فوربس» از دانشگاه‌های عالی فارغ‌التحصیل شده‌اند، ۴۵ درصد از میلیاردرهای لیست فوربس تحصیلات عالی دارند و تنها ۱۱ درصد دانشگاه



نرفته‌اند. همچنین جالب است که تنها ۲ تا ۵ درصد آمریکایی‌ها برای دوره لیسانس به یک دانشگاه سطح بالا می‌روند.

بنابراین ارتباط بین تحصیل در یک دانشگاه سطح بالا و موفقیت، یک ارتباط قوی است و باید در تحلیل‌ها، سوپرموفق‌های ترک تحصیل کرده را استثناهایی نایاب و بیرون از دایره آمار در نظر آوریم.

نمی‌دانم که آیا در ایران تحقیقی در این زمینه انجام شده است یا نه؛ اما به نظرم شرایط تحصیلات در ایران و البته کیفیت تحصیلات دانشگاهی در ایران، درصدهای تحقیق بالا را جابه‌جا می‌کند، ولی در کل، در کشور ما هم این رابطه احتمالاً معنادار خواهد بود.